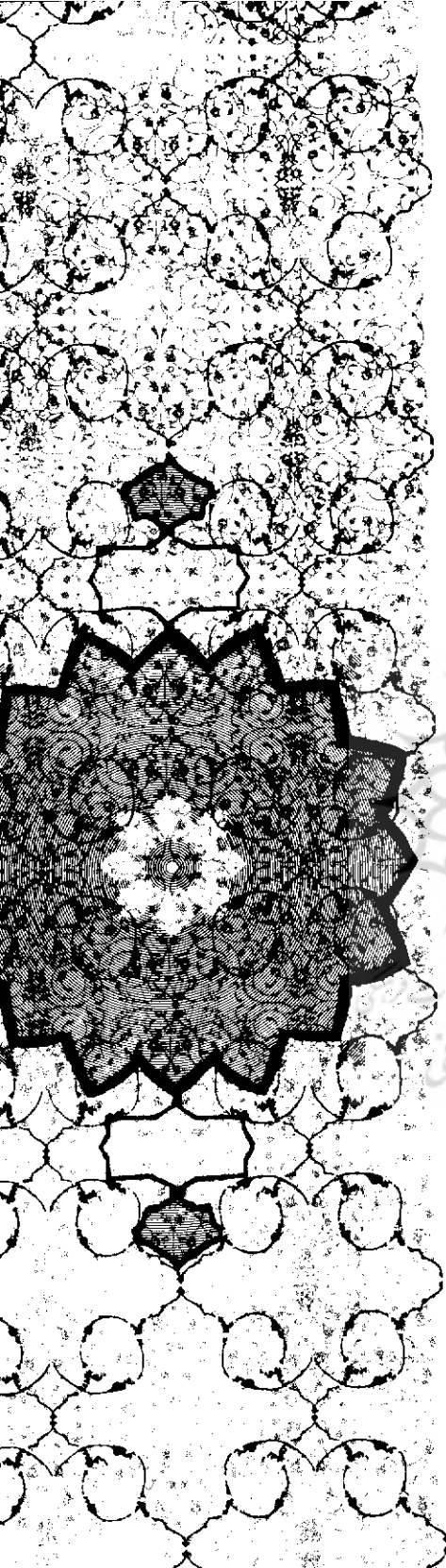


زبانهای ایرانی میانه



نوشته
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی
ماژک - ج . درسدن

ترجمه

احمد تفضلی

(دکتر در زبانشناسی - دانشیار دانشگاه تهران)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

از : مارک . ج . درسدن
ترجمه : احمد تفضلی
(دکتر در زبانشناسی)

زبانهای ایرانی میانه *

۱- مقدمه

۱-۱ تعیین حدود

دوپیشامد تاریخی قاطع درابتدا و انتهای دوره سلطه زبانهای ایرانی میانه قرار دارد. در آغاز اضمحلال ترکیب اداری هخامنشیان دربرخورد با سپاهیان اسکندر کبیر و پس از آن ظهور سلسله پارتی اشکانیان در ۲۵۰ قبل از میلاد، و در پایان درهم شکستن قدرت ساسانیان بر اثر تاخت و تاز موفقیت آمیز قوای نظامی عربهای مسلمان بر ایران در میانه قرن هفتم میلادی. از جهت سهولت و به سبب کیفیت آثار موجود، این حوادث قاطع قرون چهارم و سوم قبل از میلاد و قرن هفتم میلادی به ترتیب با پایان دوره زبانهای ایرانی باستان (تا حدود ۳۰۰ ق. م.) و آغاز دوره ایرانی نو (یا جدید) (حدود ۷۰۰ میلادی و بعد از آن = قرن اول هجری و بعد از آن) برابر گرفته شده است. خلاصه این که دوره زبانی ایرانی میانه ده قرن یعنی از ۳۰۰ ق. م. تا ۷۰۰ میلادی را در بر می گیرد.

* - اصل این مقاله به انگلیسی تحت عنوان « زبانهای ایرانی میانه » در Current Trends in Linguistics 6, 1970, 26-63 چاپ شده است.

۲-۱ تحقیقات اولیه

در تاریخ مطالعه گروه زبانهای ایرانی به طور کلی شروع قرن بیستم را می توان زمان مهمی به شمار آورد. انتشار کتاب «اساس فقه اللغة ایرانی» (۱۹۰۶-۱۸۹۵) زیر نظر مشترك ویلهلم کایگر و ارنست کون^۱ نشان دهنده نتایج پژوهشهایی است که در رشته های تحقیقات ایرانی و فارسی (زبان ، ادبیات، تاریخ و جغرافیا) از اواخر قرن هجدهم به بعد ، بیشتر در جهان غرب ، انجام گرفته بود ، یعنی از زمانی که انتشار ترجمه اوستای انکتیل دوپرون (Anquetil Duperron) در ۱۷۷۱ دورنمای نوی را بر روی دین زردشت گشود. در آن زمان فقط يك زبان ایرانی میانه یعنی پهلوی شناخته شده بود . دستور این زبان که ادبیات دینی و غیر دینی دوران ساسانی (۶۵۱-۲۲۶ میلادی) بدان ضبط شده است ، موضوع فصلی تحت عنوان «فارسی میانه» است که زالمان (Salemann) آن را نوشته است. (اساس فقه اللغة ایرانی ج ۱ ص ۳۳۲-۲۴۹ و ترجمه آن از باگدانوف)^۲. ادبیات آن را وست (West) (اساس فقه اللغة ج ۲ ص ۱۲۲-۷۵) و اخیراً تاوادیا^۳ و بویس^۴ توصیف کرده اند . رك ۲-۲-۵

۳-۱ آثار زبانهای ایرانی

مکشوفه در ترکستان چین

امروزه علاوه بر زبان پهلوی چندین زبان ایرانی میانه دیگر شناخته شده است. این شناسائی نتیجه کشفیاتی است که در ترکستان چین در آغاز قرن کنونی انجام گرفته است که خود حاصل يك دوره سفرهای محققان و کاوشگرانی است از انگلستان (اشتاین^۵ در ۱۹۰۰-۱۹۰۸ و ۱۹۰۶-۱۹۱۳) و فرانسه (پلیو Paul Pelliot در ۱۹۰۶-۸ از باب مثال رجوع کنید به مقاله یولی^۶ آلمان (گروودل A. Grünwedel و فن لو کوک A. Von Le Coq در ۱۹۰۲-۳ و ۱۹۰۴-۵ و ۱۹۰۵-۷ و ۱۹۱۳-۴ از باب مثال رجوع کنید به

کتاب بویس^۲ و مقاله لنتز^۸ ژاپن (اوتانی K. Otani در ۱۹۰۲ و ۱۹۰۸-۹ و ۱۹۱۱-۴)^۹ ، روسیه (الدنبورگ S. Oldenburg در ۱۰-۱۹۰۹ ر ک به دکاوشهای روسی ترکستان^{۱۰} در ۱۹۰۹ ، ۱۹۱۰ و ۱۹۱۴) و ملت‌های دیگر . در این مقاله جای ذکر وقایعی که به کشف آثار زبانهای ایرانی منجر شد، نیست. بنابراین توجه خوانندگان را به فهرستهای کتابشناسی مانند « کتابشناسی مطالعات آسیای میانه »^{۱۱} یا به کتاب پول داوید و هلااد و هامبیس^{۱۲} جلب مینمائیم .

۱-۴ زبانهای ایرانی میانه اصلی

اکنون پنج نوع اصلی از زبانهای ایرانی میانه را می‌توان مشخص کرد : (۱) فارسی میانه (۲) پارتی (۳) سغدی (۴) خوارزمی (۵) لهجه‌های سکایی که از میان آنها آثار ختنی به وفور موجود است . به این زبانها می‌توان (۶) بلخی (۷) آثار کوشان-هفتالی را افزود. بررسی مفصل جدیدی از همه این آثار به وسیله هنینگ انجام گرفته است که تحقیقی جامع و دارای برترین شایستگی است و بدون آن این مقاله نمی‌توانست نوشته شود. در این مقاله غالباً به این بررسی تحت عنوان « ایرانی میانه »^{۱۳} رجوع داده می‌شود. از جنبه‌های جغرافیایی و زبانی ، فارسی میانه و پارتی متعلق به گروه غربی و سغدی ، خوارزمی ، سکایی (ختنی) ، بلخی و کوشان - هفتالی وابسته به گروه شرقی زبانهای ایرانی هستند . در زبانهای گروه غربی صرف اسمی و فعلی قدیم بسیار ساده شده است ، از طرف دیگر زبانهای گروه شرقی شناسه‌های اسماء و افعال را تا حد زیادی حفظ کرده‌اند (ایرانی میانه ص ۸۹-۹۲) . هر یک از این هفت نوع زبان ایرانی میانه به ترتیبی که برشمرده شد مورد بحث قرار می‌گیرد . آثار موجود همراه با مراجع کتابشناسی در بخش ۲ این بررسی معرفی می‌شود . بعضی از مشخصات اصلی هر یک از این زبانها در بخش ۵ ذکر می‌گردد .

۲- بررسی آثار زبانهای ایرانی میانه

۲-۱ فارسی میانه و پارتی

در گروه غربی يك دسته جنوب غربی و يك دسته شمالی غربی می توان تشخیص داد . در گروه نخست زبان محلی ایالت قدیمی . Pārsa (به زبان فارسی باستان) که همان ناحیه فارس کنونی است ، قرار دارد . این زبان را می توان فرزند بلا فصل زبان فارسی باستان مستعمل در کتیبه های هخامنشی دانست . در دسته شمال غربی در دوره میانه آثاری از زبانی برجای مانده است که دنباله زبان کم شناخته شده مادهاست - یابتر بگوئیم با آن ارتباط نزدیک دارد - و معمولاً آن را پارتی (در زبان فارسی باستان Pārθawa) می نامند . اختلافات اساسی میان این دو گروه فرعی را تدسکو تعیین کرده است . برای مثال در زبان جنوب غربی کلمات zan « زن » ، dah « ده » ، čahār « چهار » ، dudig « دوم » ، - hil « هشتن » و - kar « کردن ، ساختن » * برابر با این صورتهای در زبان شمال غربی است :

kun- hirz- bidig čafār das zan

در اینجا لازم است متذکر شویم که نامگذاری «فارسی میانه» و «پارتی» به ترتیب برپارسیک و پهلوانیک مرجح است (ایرانی میانه ص ۴۰ ح ۲ و ص ۴۳ ح ۳) .

۲-۲ فارسی میانه

همانطور که پیش از این تلویحاً اشاره شد فارسی میانه یا پهلوی زبان محلی ناحیه اصطخر - تخت جمشید مرکز ایالت فارس بوده است . این زبان در این اسناد به کار رفته است : (۱) سکه های شاهان محلی فارس (۲) سکه های

* - مؤلف در این مورد مرتکب سهواً القلمی شده است . در حقیقت صورت - kun فارسی میانه و - kar پارتی است . (مترجم)

دوران ساسانی و بعد از ساسانی (۳) کتیبه های سلطنتی یا خصوصی ساسانی (۴) نوشته های روی سنگهای قیمتی و مهرهای دوران ساسانی (۵) ادبیات دینی - و درمقیاس کمتری - ادبیات غیردینی از دوران متأخر ساسانی (۶) متون مسانوی مکشوفه در آسیای میانه (تورفان یا طرفان) (۷) قطعاتی از زبوری که از سریانی ترجمه شده است. (۸) آثار به دست آمده از دورا-اوروپوس (Dura-Europos) در ساحل رودخانه فرات (۹) پاپیروسها، سفالها و کتیبه های روی ظروف نقره ای (۱۰) دیگر آثار کتیبه ای.

۲-۲-۱ - ضرب سکه بوسیله فرمانروایان محلی فارس مربوط است به زمانی میان نیمه قرن سوم ق.م. و آغاز قرن سوم میلادی. هیل ۱۴ آنها را برحسب تاریخ به سه گروه تقسیم کرده است. دسته اول متعلق به فرمانروایی است که خود را چنین می نامد:

prtrk > ZY > LHŶ >

فرترک (Fratark) خدای (= فرمانروا)

قدیمترین نمونه دسته سوم که محتملاً متعلق به پایان قرن دوم ق.م.

است دارای این نوشته است: **d > ryw MLK > BRH wtprdt MLK >**

داریو (ش) شاه پسر اتوفر دت شاه

از استعمال BRH [pus] «پسر» هنینگ این نکته را استنباط کرده است:

«BRH» که صورت متأخرتر فارسی میانه است به جای BR که صورت

اصیل آرامی است، قدیمترین «هزوارش آرامی» است که در سرزمین فارس

به کار رفته است: نوشته روی این سکه ثابت می کند که مرحله تحول به روش

نوشتن با هزوارش در این زمان به کمال خود رسیده است. «(فارسی میانه ۲۵)

رک به ۳-۳.

۲-۲-۲ - سکه های اولیه فارس (۲-۲-۱) اسلاف سکه های فرمانروایان

ساسانی است. سنت سکه زنی ساسانی هم به نوبه خود پس از برافتادن این

سلسله ادامه یافت. یک بررسی جامع مبنی بر آخرین تحقیقات درباره

سکه‌های ساسانی کاری برجسته بشمارمی آید. و آن موضوع کتاب پاروک^{۱۵} و اخیراً گوبل^{۱۶} است. درباره سکه‌های دوران بعد از ساسانی که به سنت ساسانی زده شده است رک به کتاب اونوالا^{۱۷} و واکر^{۱۸} و گیو^{۱۹}.

۳-۳-۳- کتیبه‌های سلطنتی و خصوصی ساسانی منبع مهم اطلاعات زبانشناسی و تاریخی هستند. از میان مشخصات مشترک میان کتیبه‌های هخامنشی و ساسانی یکی این نکته است که اکثر کتیبه‌های هر دو دوره سه زبانی‌اند. کتیبه‌های اولیه اردشیر و شاپور اول در نیمه نخست و آغاز نیمه دوم قرن سوم میلادی به فارسی میانه، پارتی و یونانی نوشته شده است. در زمانهای بعدی روایت یونانی را حذف کردند و در پایان، کتیبه‌ها فقط به فارسی میانه نوشته می‌شد. کتیبه‌هایی که به نام «کتیبه‌های یادبودی» نامیده می‌شود مانند کتیبه‌های کعبه زردشت و سر مشهد و غیره متعلق به زمانی از قرن سوم تا قرن پنجم میلادی است؛ دیگر آثار کتیبه‌ای، متأخر و به احتمال بسیار متعلق به دوره‌ای پس از پایان سلسله ساسانی است.

اخیراً ژینیو^{۲۰} واژه نامه‌ای از آثار کتیبه‌ای فارسی میانه (و پارتی) رک (۳-۲) منقوش بر روی سنگ تدوین و منتشر کرده است. لغات این کتاب از کتیبه‌های زیر استخراج شده است: کتیبه اردشیر (در نقش رستم)، شاپور اول (در حاجی آباد، نقش رستم) [کعبه زردشت]، نقش رجب، تنگ براق و بیشاپور)، کوردیر (kirdir) [کرتیر kartir] (در سر مشهد، نقش رجب و نقش رستم)، نرسه (در پایکولسی و شاپور)، شاپور سگانشاه (در تخت جمشید)، شاپور دوم (در مشکین شهر)، شاپور دوم و سوم (در طاقستان)، مهر نرسه (در فیروز آباد) و کتیبه‌هایی که در استانبول، دربند، اقلید، تنگ خشک، تخت طاووس، مقصودآباد، باغ لردی، بیشاپور و سین (همیان) پیدا شده است. برای هر یک از اینها کتابشناسی جامع و حاوی جدیدترین منابع ذکر شده است که تکرار آنها در اینجا ضروری نیست. درجه قطعیت

تحلیل و تفسیر دربارهٔ هریک از این آثار متفاوت است. سه مجلد از مجموعهٔ کتیبه‌های ایرانی به کوشش هنینگ^{۲۱} شامل عکسهای دسته‌ای از کتیبه‌های یادبودی است. زبان مستعمل در کتیبه‌ها را هر تسفلد^{۲۲} توصیف کرده است.

۲-۲-۴- بعضی از نخستین انتشارات دربارهٔ سنگهای قیمتی و مهرهای کنده شده عبارت است از مقالات مرتمان^{۲۳}. لازم است که تحقیقات قدیمی دربارهٔ این آثار بوسیلهٔ هرن و اشتیندرف^{۲۴} جای خود را به بررسی جامع جدیدی بدهد. بر اساس چنین تحقیقی چندین اثر را که بصورت فهرست تدوین شده است می‌توان ذکر کرد: بریسف و لوکنین^{۲۵} (در مورد آثار موزهٔ ارمیتاژ در لنین گراد)، بیوار^{۲۶} و فرای^{۲۷}. انتشارات جدید دربارهٔ برخی از قطعات به‌طور مستقل عبارت است از مقالات هنینگ^{۲۸}، هر ماتا^{۲۹} و ایلنبرگ^{۳۰}.

۴-۲-۵- قبل از کشف آثار جدید زبانهای ایرانی میانه در آسیای مرکزی (رک ۱-۳) زبان کتابهای زردشتی که متعلق به دورهٔ متأخر ساسانی است منبع اصلی استناد برای زبان فارسی میانه - یا دقیقتر بگوئیم پهلوی کتابی زردشتی - بود. قبل و بعد از انتشار کتاب دستور زبان زالمان (رک ۲-۱)، متون پهلوی مورد مطالعهٔ وسیع محققان اروپائی و دانشمندان پارسی در هند قرار می‌گرفت. این کوششها نتایج مورد لزوم را از قبیل چابهای انتقادی و ترجمه‌های قابل اعتماد و تدوین یک فرهنگ و دستور زبان جدید، کاملاً به بار نیاورده است. بعضی از علل این بی‌توفیقی از قبیل استنباط ناقص از ماهیت خط پهلوی در سیر تحول تاریخی آن که شامل سیستم هژوارش نویسی هم میشود، جزء لاینفک موضوع است. علل دیگر از قبیل کم دقتی در بکار بردن تکنیکهای جدید در مورد انتقاد متون یا کمی اطلاع مصححان از مطالب مربوطی که از دیگر زبانهای ایرانی میانه و نیز ایرانی باستان و ایرانی

جدید بدست میآید، ناشی از پیچیدگیهای این زبان نیست. بیلی ۳۱ در کتاب خود «مسائل زردشتی در کتابهای قرن نهم» نشان داده است که صرفنظر از آثار هندی، استفاده از آثار زبانهای ایرانی میانه تا چه اندازه میتواند بر مشکلات پهلوی زردشتی پرتو افکند. آنچه در موضوع «پهلوی زردشتی، نوشته شده است آن اندازه فراوان است که نمیتوان فهرست آنها را در اینجا ذکر کرد، به اضافه اینکه هدف این نوشتهها بیشتر متوجه به مسائلی است که ماهیت فقه‌اللفه‌ای یا تاریخی - دینی دارد. رگ به مراجعی که در بالا ذکر شد (۱-۲). اخیراً مکنزی ۳۲ فرهنگی منتشر کرده است که هدف آن رهایی بخشیدن خواننده نا آشنا به زبان پهلوی از نیاز به پیمودن راهی است که قبلاً به خوبی، اما بدون داشتن نقشه واحدی، طی شده است. یعنی چهار هزار لغت ساده بسیار متداول، اما تا آنجا که مربوط به خود زبان می‌شود، تا کنون توجه زیادی به مسائل نحوی نشده است. بعضی از مقالات اخیر که در این موضوع نوشته شده عبارت است از مقالات بويس ۳۳ و مکنزی. ۳۴ در رساله دکتری پروفر ۳۵ که هنوز انتشار نیافته، از آثار فارسی میانه و پارتی استفاده شده است. اخیراً بنیاد فرهنگ ایران دو نسخه بندهش ۳۴ (TD) و (DH) را بطریقه عکسی منتشر کرده است. این روش که سالهای پیش به کار میرفت و بعداً ترك شد، بر طریقه چاپ با حروف پهلوی ترجیح دارد.

۲-۲-۶ - از بررسی آثار مکشوفه در واحه تورفان در آسیای میانه (ترکستان شرقی) که بوسیله نخستین هیئتهای اعزامی آلمان (رگ ۱ - ۳) به برلین آورده شده بود معلوم شد که این آثار به چندین زبان مختلف نوشته شده است. یکی از آنها به عنوان «فارسی میانه» مشخص گردید و در نتیجه بصیرت موی شکافانه مولر ۳۷ به این نکته پی برده شد که این دسته متون نمونه‌هایی است از بقایایی از ادبیات مانوی که تصور می‌شد از دست رفته است. کمی پس از آن آندره آس پی برد که علاوه بر فارسی میانه (دقیقتر بگوئیم «فارسی میانه مانوی» یا بطور خلاصه Man. MP.) آثار

زبان ایرانی غربی دیگری یعنی پارتی (دقیقتر بگوئیم پارتی مانوی یا بطور خلاصه (Man Pt.) بنابه نامگذاری میه (MEILLET) در میان کشفیات تورفان وجود دارد. درباره پارتی رك به بعد ۲-۳ و بالا ۲-۱.

بعضی از مهمترین متون منتشره فارسی میانه مانوی عبارتند از آثار مولر^{۳۸}، زالمان^{۳۹} والدشمیت - لنتز^{۴۰}، (که شامل متون پارتی و سفدی و چینی میباشد)، آندره آس - هنینگ^{۴۱} و هنینگ^{۴۲} (که شامل متون سفدی نیز میباشد).

در مورد تحلیل فارسی میانه، هنینگ دستگاہ افعال فارسی میانه را بررسی کرد و گیلن فهرستی برای این اثر تنظیم نمود.^{۴۳} هیچگونه فهرست یا فرهنگی از لغات این زبان تا کنون منتشر نشده است.

بویس^{۴۴} يك بررسی اجمالی از ادبیات مانوی انجام داده و منتشر کرده است.

۳-۲-۷- مجموعه‌ای مشتمل بر قطعاتی از متون زبور که از سریانی به فارسی میانه ترجمه شده است در بلائیک Bulayiq در شمال تورفان کشف شد. گرچه شکل قدیمی الفبایی که این قطعات بدان نوشته شده است، اشاره به تعلق این قطعات به قرن ششم میلادی دارد، اما نسخه خطی فعلی محتملاً قبل از قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم میلادی (قرون اول و دوم هجری) «ایرانی میانه ص ۴۷» نوشته نشده است. این زبور را آندره آس - بار^{۴۵} منتشر کرده‌اند.

۳-۲-۸- از حفاریات دورا - اورپوس در ساحل رودخانه فرات در سوریه کنونی نزدیک مرز عراق تعدادی آثار ایرانی میانه، هم به پارتی و هم به فارسی میانه، به دست آمده است. در کنیه محلی دوازده دیوارنشته (Dipinti) به خط فارسی میانه و سه دیوارنگاره (Gr affiti) به پارتی پیدا شده است. برای تفسیر و توصیف این آثار نخست پالیارو^{۴۶} کوشید. تحقیق کاملتر و قطعیت را کایگر منتشر ساخت. این اسناد اثر

دبیران (dpywr = dibir) سپاه ایران است که این شهر را در ۳-۲۵۲ میلادی تسخیر کرده‌اند (دایرانی میانه، ص ۴۶). اسناد مکشوفه دیگر در دورا - اوروپوس شامل قطعاتی است بر روی پوست که هنینگ^{۴۸} آنها را منتشر کرده است، و نیز سفالینه‌هایی به فارسی میانه و پارتی، در مورد اخیر رك به مقاله هنینگ^{۴۹} و هارمتا^{۵۰}. همه کتیبه‌های ایرانی میانه دورا - اوروپوس را اخیراً فرای^{۵۱} به صورت عکسی منتشر کرده است. در مورد آثار پارتی دیگر مکشوفه در دورا - اوروپوس رك به دایرانی میانه، ص ۲-۴۱

۳-۴-۵- مهمترین اثر منتشر شده درباره پایپروسهای فارسی میانه کتاب هنزن^{۵۲} است. چاپ عکسی از پایپروسها و سفالینه‌ها را دومناش^{۵۳} منتشر کرده است. بیشتر پایپروسها مربوط به زمانی است که ایرانیان در اوائل قرن هفتم میلادی برای مدت کوتاهی مصر را تسخیر کردند. خصوصیت شکسته بودن خطی که در این آثار با فراط بکار برده شده است، خواندن آنها را دشوار می‌کند. برای بررسی اجمالی مجموعه‌های پایپروس رك به مقالات دومناش^{۵۴}، یربخانیان^{۵۵} و وبر^{۵۶}.

همین خط شکسته یا نوعی خط نزدیک بدان در کتیبه‌هایی که بر روی اشیاء سیمین پیدا شده، به کار رفته است. عکس بسیاری از این اشیاء در کتاب اسمیرنوف^{۵۷} آمده است. مقالات جدید در مورد برخی از این گونه نوشته‌ها، هر يك به طور جدا گانه، شامل این آثار است: گیرشمن^{۵۸}، هنینگ^{۵۹} و فرای^{۶۰}.

۳-۴-۱۰- آثار دیگر فارسی میانه که متعلق به دوره متأخر ساسانی است (نیز رك ۲-۲-۳) عبارتند از: (الف) کتیبه‌های سنگ قبر در فارس. رك به دایرانی میانه، ص ۷۷ و مقاله فرای^{۶۱}. (ب) قطعه‌ای از يك فرهنگ پهلوی که در تورقان به دست آمده است و محتملاً متعلق به قرن نهم یا دهم میلادی

(سوم یا چهارم هجری) است. رك به مقاله بار ۶۲.

پس از سقوط شاهنشاهی ساسانی زبان و خط فارسی میانه به حیات خود ادامه داد. بعد از کتیبه عضالدوله حکمران بویه (متعلق به ۹۷۰ - ۹۶۹ میلادی = ۳۶۰-۳۵۹ هجری) و کتیبه رادکان در مشرق استرآباد و کتیبه برج لاجیم در سواد کوه (متعلق ۲۲-۱۰۲۱ میلادی = ۴۱۳) آثار مکشوفه هند (لوحه‌های مسی مکشوفه در کیلان (Quilon) متعلق به قرن نهم = سوم هجری) و صلیبهای مکشوفه در تراوانکر (Travancore) که حاصل فعالیت‌های مسیحیان ایرانی است، شایسته ذکر است. رك به «ایرانی میانه»، ص ۵۲-۵۰.

۲-۳ پارتی

در بندهای پیشین تعدادی از آثار پارتی را ذکر کردیم. کتیبه‌هایی مانند کتیبه‌های شاپور اول در نقش رستم (کعبه زردشت)، نقش رجب، بیشاپور و حاجی آباد یا کتیبه نرسه در پایکولی به هر دو زبان فارسی میانه و پارتی است (رك به ۲-۲-۳) و برخی از آثار منتشر شده تورفان (۲-۲-۶) و اسناد دورا-اوروپوس (۲-۲-۸) نیز شامل آثار پارتی است. به آنچه ذکر شد این آثار را می‌توان افزود: (۱) آثار نسا نزدیک عشق آباد پایتخت ترکمنستان (۲) بنچاق اورامان (۳) سکه‌ها (۴) کتیبه‌های (دیگر) (۵) متون پارتی مانوی کشف شده در آسیای میانه (تورفان). لغات پارتی این آثار را بجز نوشته‌های روی سکه‌ها و آثار پارتی مانوی، زینو در فرهنگ خود جمع‌آوری کرده است. (رك ۲-۲-۳).

۲-۳-۱ از کشفیات نسا شهر باستانی سلطنتی پارتی مقدار قابل توجهی سفالینه به خط آرامی به دست آمد. این آثار متعلق به قرن اول ق.م است. امانوع خط آرامی مستعمل در این آثار دال بر زمانی ممتدتر است که از قرن دوم ق.م تا قرن اول ق.م کشیده می‌شود. از این سفالینه‌ها برمی‌آید که در هنگام نوشته شدن آنها سیستم نگارش در مرحله تحول از آرامی کامل به پارتی آمیخته

بازوارش قرار داشته است (رک ۳-۳). مطالعه این اسناد را - که تا کنون تماماً منتشر نشده اند - م. دیا کونف، ی. دیا کونف (Dyakonov) و لیوشیتس (Livshic) در تعدادی مقاله شروع کردند که ژینیو فهرست آنها را ذکر کرده است. (واژه نامه ص ۴۳). سینیستر^{۶۳} چندین مقاله خود را به این موضوع اختصاص داده است. نیز رک به مقاله بیکرمن^{۶۴}.

۲-۳-۲ بنچاق اورامان در جنوب کردستان دارای این تاریخ است:

šNT 300 YRH = >rwtt سال ۳۰۰ ماه خرداد

هیننگ (فارسی میانه ص ۲۹) آن را برابر تاریخی بین هفتم ژانویه و پنجم فوریه سال ۵۳ میلادی می داند. خط این سند شبیه است به خط آثار نسا (۲-۳-۱) و در همان مرحله تحول قرار دارد. (هزوارشها به همان شکل مستعمل در اسناد متأخر تریارتی به کار رفته اند: BRY برابر Puhr یعنی «پسر» و YRH برابر «ماه». نشانه های متمم ایرانی در صورت هایمانند ZBnt «خرید» برابر پارتی xrtid به کار رفته است.) در مورد کتاب شناسی به واژه نامه ژینیو ص ۴۴-۴۳ مراجعه شود.

۲-۳-۲ نخستین سکه های اشکانی متعلق به زمانی در حدود میانه قرن اول میلادی است. نخست نوشته های سکه ها شامل صورت خلاصه شده نام شاه است (wl به جای wlgšy بلاش)؛ در ثلث دوم قرن دوم میلادی نوشته ها مفصل تر می شود (wlgšy MLK بلاش شاه) و نام کامل به صورت

>ršk wlgšy MLKYN MLK اشک بلاش شاهنشاه

بر روی سکه های مسی آمده است. کتاب شناسی: راث ۶۵ و اثر قدیمتر کتاب پترویتز^{۶۶} است که اخیراً (۱۹۶۷) تجدید طبع شده است. نیز رک به مقاله گیرشمن^{۶۷}.

در مورد نوشته های پارتی روی سکه های شاهان محلی عیلام و سکه های شاه هند - پارتی به نام سنابار (Sanabares) (پایان قرن اول میلادی) رک به «ایرانی میانه» ص ۴۱.

۴-۳-۲ علاوه بر آنچه که قبلاً ذکر شد (رك ۲-۲-۳ و ۳-۲-۳) این آثار نیز در دست است: (الف) کتیبه اردوان پنجم artbnw در شوش بر روی يك ستون سنگ قبر با تاریخ ۲۱۵ میلادی:

ŠNT 1111 c xx xx xx 11 YRH^o spndrmtY YWM^o mtry

• سال ۶۶۲ ماه اسپندارمد روزمهر، که برابر است با ۱۴ سپتامبر ۲۱۵ میلادی. درباره این کتیبه رك به مقاله گیرشمن^{۶۸} و هنینگ^{۶۹} و التهامیم-اشتیل^{۷۰}. (ب) کتیبه های کال جنگال نزدیک بیرجند در جنوب خراسان که محتملاً متعلق به نیمه اول قرن سوم میلادی می باشند. در مورد این کتیبه ها رك به مقاله هنینگ^{۷۱}.

۵-۳-۲ متون فارسی میانه مانوی منتشر شده که فهرست آنها در بالا ذکر شد (۶-۲-۲) غالباً شامل متون فارسی میانه و پارسی هر دو است. کسانی که این متون را منتشر ساخته اند، زبان (فارسی میانه یا پارسی) هر يك از متن هارا مشخص کرده اند. مجموعه ای از سرودهای مانوی را بویس^{۷۲} منتشر کرده است. از همین مؤلف است مقالات «سدویس و پیسوس»^{۷۳} و «برخی از سرودهای الفبایی مانوی»^{۷۴} و بررسی اجمالی ادبیات مانوی (رك ۲-۲-۶) نیز مقاله هنینگ^{۷۵}. دستگاه افعال پارسی را کیلن^{۷۶} مورد بررسی قرار داده است. لغت نامه ها و تحقیقات و از گانی از نظر تعداد اندک است. علاوه بر فهرست لغات کتاب «مانویات ایرانی میانه» ج ۳-۱ (رك ۲-۲-۶) و انتشارات دیگر، مقاله هنینگ تحت عنوان «فهرستی از لغات فارسی میانه و پارسی»^{۷۷} وجود دارد.

۲-۴ سغدی

(الف) آثار قدیمتر زبان سغدی شامل نوشته های سکه هاست. قرائت این نوشته ها غالباً مشکوک است و تعیین تاریخ دقیق آنها مشکل است، اگرچه به نظر منطقی می رسد که قدیمترین نمونه ها را متعلق به میانه قرن دوم میلادی بدانیم. بیشتر مواد مربوط به این موضوع را

می‌توان در مقالات الت دولافوی^{۷۸} یافت. رگ به فارسی میانه ۲۶-۲۵،
 (ب) آثاری که از خود ناحیهٔ سفد به دست آمده است، برای سهولت
 کار، بنا بر نوع خط سفیدی که در آنها به کار رفته، طبقه بندی شده است.
 گرچه تاریخ سیستم خط سفیدی یا بهتر بگوئیم سیستمهای آن به هیچ وجه
 کاملاً معین نیست، با این حال به نظر می‌رسد که سه گروه اصلی پیدا شده
 است: نخستین گروه از سمرقند، دومین از بخارا و سومین از ناحیه‌ای که
 جای آن مشخص نشده است (رگ ایرانی میانه ص ۵۲). آثار گوناگونی
 (شامل سکه‌ها، نوشته‌های روی اشیاء سیمن، منسوجات، چرم، سفالینه‌ها
 و جواهرهای حکاکی شده) نیز موجود است که محتملاً متعلق به دورانی
 بین قرن پنجم و ششم است. الفبایی نیز در پنجکنت به دست آمده است
 که آن را لیوشیتز^{۷۹} در یاد نامهٔ هنینگ مورد تحلیل قرار داده است. در
 مورد اسناد سفیدی که اخیراً در چند محل اکتشافی باستانشناسی در آسیای
 میانه به دست آمده است رگ به مقالهٔ فرای^{۸۰}.

مجموعهٔ مهمی شامل بیش از هفتاد قطعه بر روی چرم، کاغذ و تخته متعلق
 به سرزمین سفد در سال ۱۹۳۳، در نتیجهٔ تحقیقات باستانشناسی در کوه مغ
 در تاجیکستان، به دست آمد. این اسناد متعلق به قرن هشتم میلادی است.
 فرایمان^{۸۱} بررسی این اسناد را شروع کرد و پس از او با انتشار کتاب اسناد
 سفدی کوه مغ،^{۸۲} قرائت و دریافت مضمون آنها در بعضی موارد به تکمیل
 نهایی و در بعضی موارد به تکمیل موقتی انجامید. این اسناد به صورت
 عکسی در مجموعهٔ کتیبه‌های ایرانی منتشر شده است.^{۸۳}

(ج) منبع اصلی اطلاع در مورد زبان سفدی اکتشافاتی است که در واحهٔ
 تورفان و تون-هونگ در ترکستان شرقی انجام گرفته است که در آنجا
 پناهندگان سفدی پس از ویرانی سمرقند بوسیله اسکندر بزرگ در نیمهٔ دوم
 قرن چهارم قبل از میلاد جایگزین شده بودند. آندره آس (Andreas) از روی
 اصطلاحات تقویمی که ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه^{۸۴} ذکر کرده

است، شناسایی این زبان را به عنوان سفدی محقق کرد. رک به مقاله مولر^{۸۵}. این اسناد را بنا بر مضمون دینی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) بودایی (۲) مانوی (۳) مسیحی.

۴-۱-۹- دانشمند فرانسوی کوتیو از نخستین کسانی بود که درباره اسنادی که بوسیله پلیو (رک ۱-۳) به پاریس منتقل شده بود تحقیق کرد. انتشارات نخستین او شامل چند مقاله است.^{۸۶} همین محقق نخستین جلد دستور زبان سفدی بودایی را نوشت^{۸۷} که بعداً بنویست^{۸۸} آن را تکمیل کرد. طولی نکشید که این کوششهای موفقیت آمیز اولیه در مورد قرائت، دریافت متن و تحلیل مطالب سفدی بودایی بوسیله دانشمندانی که نامشان را ذکر می‌کنیم پی گیری شد: روزنیرک^{۸۹} در چندین مقاله، کوتیو- پلیو- بنویست^{۹۰} کتاب «سوترای علل و نتایج» را منتشر کردند و مکنزی^{۹۱} دوباره آن را با ترجمه و واژه‌نامه و یادداشتها منتشر ساخت؛ مولر^{۹۲}؛ رایخسلت^{۹۳} کتاب «قطعات خطی سفدی موزه بریتانیا» را منتشر کرد که جلد اول آن شامل متون سفدی بودایی است؛ (در مورد متن «وملکیر تفرده سوترای» ولر^{۹۴} مقاله‌ای نوشت. در مورد متن «دبانه» ولر^{۹۵} و بنویست^{۹۶} مقالاتی نوشتند)، جلد دوم شامل متون بودایی دیگری است (درباره «و جرحهدیکا» ولر^{۹۷} مقاله‌ای نوشت)، همین جلد شامل چندین سند و يك دسته نامه‌های قدیمی است (در مورد اخیر رک به مقاله هنینگ^{۹۸}). بنویست^{۹۹} یادداشتهایی درباره دو جلد کتاب رایخسلت منتشر کرد. انتشارات مولر-لنتز^{۱۰۰} شامل متون مسیحی و بودایی هر دو است. بنویست همه متون بودایی متعلق به مجموعه پلیو را تحت عنوان «متون سفدی»^{۱۰۱} منتشر کرد (رک به مقدمه هنینگ^{۱۰۲} برای کتاب). همین دانشمند نسخه‌های خطی مجموعه پلیو را به صورت عکسی تحت عنوان «مجموعه سفدی»^{۱۰۳} در جزو انتشارات «اسناد زبانی آسیای کبیر»^۳ چاپ کرد، و همو کتاب و سانترجاتکا^{۱۰۴} را نیز دوباره منتشر ساخت.

۴-۴-۴- در حالی که کار تصحیح و نشر متون بودایی تقریباً به انجام رسیده است، در مورد آثار مانوی وضع چنین نیست. منتشر نشدن این متون تا حدی به دلیل وضع خاص این آثار است که بیشتر قطعه قطعه است. بنابراین خاصه از بخت نیک است که دستور زبانی را در دست داریم که بر اساس تحقیق جامع مواد مانوی منتشر شده یا نشده، تدوین شده است (گرشویچ، دستور زبان سفدی مانوی ۱۰۰). علاوه بر قطعات سفدی که والدشمیت - لنتز منتشر کرده اند (رک ۲-۲-۶) این کتب و مقالات نیز شایسته ذکر است: کتاب هنینگ به عنوان «یک کتاب دعا و اعتراف مانوی» ۱۰۶ که شامل متون فارسی میانه و پارسی نیز هست؛ کتاب «سفدیات» ۱۰۷ و مقالات «کتاب غولها» ۱۰۸، «قتل مغان» ۱۰۹، «داستانهای سفدی» ۱۱۰، «روزه های مانوی» ۱۱۱، «دو متن سحر و جادوی مانوی» ۱۱۲ و «قطعه ای سفدی شامل گیهان شناخت مانوی» ۱۱۳ از همو.

۴-۴-۴- آثار سفدی مسیحی را در آغاز این دانشمندان معرفی کردند: مولر «متون سفدی» ۱۱۴ ج ۱، «متون سفدی» ۱۱۵ ج ۲ (رک ۱-۴-۲) که شامل متون دیگر مسیحی است. بیش از ده سال طول کشید تا آثار دیگری چاپ شود: هنزن ۱۱۶، «متون سفدی برلین» ج ۱ (رک به مقالات گرشویچ ۱۱۷ و بنونیست ۱۱۸) و «متون سفدی برلین» ۱۱۹ ج ۲ (رک به مقالات بنونیست ۱۲۰). یک بررسی نسبتاً قدیمی درباره زبان سفدی مسیحی توسط تلگدی ۱۲۱ انجام گرفته است، بررسی جدیدتر و جامعتر را شوارتز انجام داده است تحت عنوان «بررسیهایی درباره متون سفدی مسیحی» ۱۲۲، همچنین مکنزی در مقاله «یادداشتهایی درباره سفدی مسیحی» ۱۲۳.

۴-۴-۴- علاوه بر متون مذهبی به زبان سفدی تعدادی اسناد غیر دینی نیز به دست ما رسیده است که بعضی از آنها را قبلاً ذکر کرده ایم (رک ۲-۴). این اسناد شاهی است بر وسعت ناحیه ای که در آن زبان سفدی به کار می رفته است. «نامه های قدیمی» که در یک برج

نکمبانی متعلق به دیوار چین در غرب تون - هوانگ بوده است بنا بر نظر هنینگ احتمالاً متعلق به اوائل قرن چهارم میلادی است (رك ۲-۴). از چند قرن بعد از آن کتیبه لادک (Ladakh) در جنوب غربی جمو - کشمیر و کتیبه کره بلگسون (Karabalgasun) (= قره بلگسون Qara Balgasun) پایتخت باستانی اویغورها در کنار رود ارخون (Orkhon) در مغولستان را در دست داریم. کتیبه نخستین بنا بر نظر هنینگ (ایرانی میانه ۵۴) احتمالاً مورخ ۲ - ۸۴۱ میلادی است. رك به مقاله بنویست ۱۲۴. دومین که متعلق به دو دهه نخستین قرن نهم میلادی است، سه زبانه است (ترکی و چینی علاوه بر سفدی) و آن را هنزن ۱۲۵ منتشر کرده است.

۲-۵ خوارزمی

پی جویی قدیمترین مراحل زبان خوارزمی یعنی همان *Uvārazmiš* قدیمی مذکور در کتیبه‌های فارسی باستان که در جنوب دریای آرال میان دو رودخانه جیحون و سیحون واقع است، کاری دشوار است. در این مورد اسناد نسبتاً کم است و آنچه هست نیز تماماً منتشر نشده و آنچه منتشر شده است همیشه رضایتبخش نیست و اطلاعاتی که از آنها به دست می‌آید اغلب مشکوک است. این آثار مشتمل است بر: سکه‌ها با نوشته‌های خوارزمی که متعلق به دوران اولیه اند (قرن دوم یا سوم ق.م.) در مورد این سکه‌ها رك به مقاله تولستوف ۱۲۶ - ؛ کتیبه‌هایی بر روی چوب و چرم از ناحیه توپراق قلعه Topraq qal'a شاید متعلق بنیمه دوم قرن دوم میلادی رك به مقاله تولستوف ۱۲۷ - ؛ کتیبه‌هایی بر روی استخوانها از تق قلعه Topraq qal'a که محتمل است مربوط به قرن هفتم میلادی باشد. رك به مقالات تولستوف و لیوشیتز ۱۲۸ (به روسی و به انگلیسی ۱۲۹) و کتیبه‌هایی بر روی ظروف سیمین با تاریخهایی میان نیمه اول قرن ششم و نیمه دوم قرن هفتم میلادی.

آثار دیگر خوارزمی که مربوط به زمان متأخرتر و از نظر حجم و مطلب قابل ملاحظه‌تر است آثاری است که به خط عربی نوشته شده است (همراه با تغییراتی در این خط) و در نوشته‌هایی از قرن (دوازدهم و سیزدهم میلادی) (= قرون ششم و هفتم هجری) از قبیل مقدمه‌الادب زمخشری (که فرهنگ معروف عربی است و طغان ۱۳۰ آن را بصورت عکسی منتشر کرده است) یا کتاب قنیة المنیه مختار الزاهدی و کتاب یتیمه الدهر فی فتاوی اهل العصر تألیف علاءالدین الترحمسانی که هر دو کتاب فقه است، به دست آمده است. بر این آثار باید لغات خوارزمی (نامهای ماهها و روزها و چند جشن و بروج دوازده گانه) منقول در کتاب آثار الباقیه و التفهیم ابوریحان بیرونی (رک ۲-۴) افزوده شود. (رک فارسی میانه ۸۴-۸۱ و ۱۲۰-۱۱۴).

تحقیقات نخستین درباره زبان خوارزمی بوسیله طغان ۱۳۱ و طغان و هنینگ ۱۳۲ انجام گرفته است. انتشارات بعدی در این باره مشتمل است بر کتاب و مقالات: فرایمان، ۱۳۳ هنینگ، ۱۳۴ یارشاطر، ۱۳۵ راست، ۱۳۶ باکالیوف، ۱۳۷ امریک، ۱۳۸ و کتاب بخشی از فرهنگ خوارزمی، ۱۳۹ تألیف هنینگ که پس از درگذشت او منتشر شد و در حدود ۲۶۰ لغت از الف تا -kw را دربردارد. این کتاب با مطالب اضافی دیگری به کوشش مکنزی به چاپ رسیده است.

مقدمه‌الادب به صورت حرف نویسی شده به اضافه ترجمه و همراه با تحریرهای عربی و فارسی بوسیله بنزینگ ۱۴۰ منتشر شده است. این اثر موضوع پنج مقاله مکنزی ۱۴۱ قرار گرفت. نیز رک به مقاله شوارتز ۱۴۲.

۲-۶ زبانهای سکایی

چندین نوع زبان مرتبط بهم متعلق به مردمان سکایی به دست آمده است. این مردمان از حدود ۶۰۰ ق.م. و پس از این که در ناحیه وسیعی از جلگه‌های روسیه جنوبی تا رودخانه سیحون (سیردریای امروز) در قزاقستان

زندگی می کردند، شناخته شده اند. آثار این زبانها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در امکنه‌های مانند تمشوق (Tumshuq) نزدیک مارال باشی (Maralbashi) واقع در شمال شرقی شهر کاشغر و در ختن در جنوب شرقی همان شهر بدست آمده است. جدیدترین بحث در باره زبانهای سکایی دو مقاله بیلی است ۱۴۳. نیز رك به مقاله اشمیت ۱۴۴.

۳-۶-۱ آثاری که در تمشوق به دست آمده است از نظر تعداد محدود است. اثری هم که در مرتق در شرق تورفان کشف شده است جزء این آثار محسوب می شود. در مورد کتابشناسی آنها رك به این مقالات: کونو ۱۴۵ و بیلی ۱۴۶.

از نظر شیوه خط آثار سکایی تمشوق به دو دسته تقسیم می شوند و چنین به نظر می رسد که هر دو دسته مرحله قدیمتری از زبان را نشان می دهند تا آثار سکایی ختن.

۳-۶-۲ تعداد متون (سکایی) ختنی بسیار قابل ملاحظه است. پس از این که بررسی اولیه را رودلف هر نل (Rudolf Hoernle)، پلیو (Pelliot)، روتر (Reuter) و فن اشتل - هلشتاین (Von Stael - Holstein) و دیگران در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انجام دادند. امتیاز اصلی پیشرفت مطالعات ختنی از آن لویمان (Leuman) و کونو (Konow) و بیلی (Baily) است. متن های چاپ شده توسط لویمان عبارت است از «در باره زبان و ادبیات آریائی شمالی» و «ادبیات بودائی» ۱۴۷ و باکمک م. لویمان «شعر تعلیمی بودایی به آریائی شمالی (سکایی)» ۱۴۸. مجموعه مفصلی از یادداشتهای لغوی این متن را بیلی ۱۴۹ منتشر کرد. کونو نیز چند اثر را منتشر کرد. ۱۵۰ آثاری که بیلی تصحیح و نشر کرده شامل شش جلد است به نام «متون ختنی» ۱۵۱ و «متون ختنی بودایی» ۱۵۲. جلد های ۱ تا ۳ در یک مجلد دوباره در ۱۹۶۹ چاپ و نشر شده است. علاوه بر

اینها بیلی چندین جلد از این آثار را به صورت عکسی منتشر کرده است («مجموعه متون ختنی» ۱۵۳ و «آثار ختنی» ۱۵۴ در «مجموعه کتیبه‌های ایرانی» . همین اثر اخیر به صورت آوانویسی شده لاتین همراه با ترجمه و یادداشتها در «مجموعه کتیبه‌های ایرانی» ۱۵۵ منتشر شده است) . همچنین امریک ۱۵۶ «آثار ختنی» ج ۴ را در ۱۹۷۱ منتشر ساخته است.

طرح نخستین برای مطالعات جامع دستوری از کونو است: «دستور زبان ختنی» ۱۵۷ (که به انگلیسی به نام «کتاب ابتدائی سکایی ختنی» ۱۵۸ منتشر شد) . پس از او در دوره‌های اخیر هرترز نبرگ ۱۵۹ «زبان ختنی - سکایی» و امریک ۱۶۰ «مطالعات دستوری زبان سکایی» را نوشتند که کتاب اخیر از ساخت اسمی و فعلی بحث می‌کند. واژه‌نامه‌هایی همراه با ترجمه‌های انگلیسی این متون همراه است: متن بهدرچریادشنا (به کوشش آسموسن) ۱۶۱، متن جانتکستوه (به کوشش درسدن)، ۱۶۲ «شعر تعلیمی» ۱۶۳ به کوشش لویمان (رک ۲-۶-۲) که اکنون به نام کتاب زمبستا ذکر می‌شود و امریک آن را دوباره همراه با ترجمه انگلیسی به اضافه اوراق و قطعاتی که اخیراً به دست آمده است (رک به کتاب دسیاتووسکیا ۱۶۴ و نیز به مقالات امریک) ۱۶۵ تحت عنوان «کتاب زمبستا» یک شعر ختنی در باره بودائیت، ۱۶۶ منتشر کرده است، نیز کتاب «شورنگمسمادهی سوترا» از امریک ۱۶۷ و کتاب «سد - دهرمه - پوندریکا - سوترا» خلاصه‌ای به سکایی ختنی» از بیلی. ۱۶۸

مقالات بیلی درباره متون خاص ختنی، مسائل مربوط به زبان‌شناسی تاریخی و واژگان بسیار زیاد است. فهرستی از آنها تا سال ۱۹۷۰ تهیه شده است. ۱۶۹ مقالات اخیر از امریک عبارتند از «ایامه، خردل» ۱۷۰ «بعضی کتیبه‌های ختنی بر ایشیا، هری» ۱۷۱، «یادداشت‌هایی بر کتاب زمبستا» ۱۷۲ «نسخه خطی هانتیکتن K» ۱۷۳، «گفتن» و «کامیاب شدن» «در ختنی» ۱۷۴ و «نمدای بازرگان» ۱۷۵ و «چهار لغت ختنی» ۱۷۶.

در آینه اطلاعاتی که در این کتب و مقالات منتشره آمده است باید در یک مجموعه و از گانی به منظور استفاده و ارزیابی کسانی که می خواهند به اسناد ختمی رجوع کنند و بدانها دست یابند، جمع آوری شود.

۲-۲ بلخی

اثر عمده این زبان که به دلایل زبانی و جغرافیایی بدان نام «بلخی» داده اند، کتیبه ای است به خط یونانی که در سال ۱۹۵۷ بوسیله هیئت باستانشناسی فرانسه در افغانستان در ضمن حفاریات سرخ کتل، همان بگولنگو قدیم (Bagolango بغلان)، در افغانستان به دست آمد. متن آن را هاریک^{۱۷۷} منتشر ساخت. دو تحریر دیگر از این کتیبه را بنونیست^{۱۷۸} منتشر کرد. مسائل مهم زبانی، تاریخی و تقویمی که کتیبه سرخ کتل آنهارا مطرح می ساخت در تعداد قابل توجهی از نشریات موضوع بحث و اظهار نظر قرار گرفت. از میان آنهاست مقالات هنینگ^{۱۷۹}، هاریک^{۱۸۰}، گوپل^{۱۸۱} (در باره آن رك به نقد کرشویچ^{۱۸۲}، هارمتا^{۱۸۳}، مایر هوفر^{۱۸۴}، کرشویچ^{۱۸۵}) (در نقد کتاب هومباخ^{۱۸۶})، بیوار^{۱۸۷}، هنزن^{۱۸۸} و مورکن استیرنه^{۱۸۹}.

۲-۸ کوشانی - هفتالی

وجه مشترك میان آناری که با مسامحه تحت عنوان «کوشانی-هفتالی» طبقه بندی شده اند الفبای آنهاست که به نظر می رسد از یونانی مشتق شده باشد، و نیز فاحیه عمومی است که این آثار متعلق بدان است یعنی افغانستان. تردیدهایی که در قرائت و تعبیر این الفبای «یونانی-بلخی» وجود دارند تنها تصمیم درباره قرائت صحیح کلمات بلکه درباره خود زبان استعمال شده را دشواری کند. در برخی موارد به نظر می رسد که این زبان ایرانی است. در بعضی موارد دیگر محتمل است ایرانی باشد یا نباشد.

از میان مراجعی که بیشتر به صورت پراکنده است این منابع را می توان ذکر کرد: (۱) سکه ها (شامل کتب و مقالات هر تسفلد^{۱۹۰}، یونکر^{۱۹۱}،

بیوار ۱۹۲، وایت هد ۱۹۳، واکر ۱۹۴، کیرشمن ۱۹۵ و کوریل- اشلومیرزه ۱۹۶
 (۲) مهرها (شامل مقالات وایت هد ۱۹۷، کیرشمن ۱۹۸، بیوار ۱۹۹) نیزک به
 مقالات بیوار در (۱). (۳) کتیبه‌ها (مقالات بیوار ۲۰۰، کوریل ۲۰۱، لیوشیتز ۲۰۲
 و هارمتا ۲۰۳) (۴) قطعاتی از نسخه‌های خطی (توماس ۲۰۴، هنزن ۲۰۵،
 کرشویچ ۲۰۶ که مقاله او به نام «کتیبه‌ها و نسخه‌های بلخی» شامل بحثی است
 درباره قطعات هفتالی منتشر شده در کتاب هومباخ (۲۰۷).

اخیراً گوبل یک اثر کامل چهار جلدی را به این آثار و دیگر آثار زبانهای
 ایرانی میانه (پهلوی، سغدی، بلخی) که متعلق به دورانی میان نیمه قرن چهارم
 تا نیمه قرن هشتم میلادی است تحت عنوان «اسنادی درباره تاریخ هونهای
 ایرانی در بلخ و هند» ۲۰۸ اختصاص داده است.

۳ - آرامی

۳ - ۱ آرامی و اهمیت آن

سیاست حکمرانان هخامنشی که سبب شد زبان آرامی - که یک زبان
 سامی است - به عنوان زبان مشترک ارتباط اداری میان استانهای مختلف بکار
 رود، نفوذ عمیق و دیرپایی داشت. این مطلب صرف نظر از دلائل دیگر، از استعمال
 دائم هزارشهاد آثار ایرانی میانه و از انتخاب صورتهای مختلف خطوط آرامی -
 سامی با تغییراتی برای کتابت در دوره ایرانی میانه به خوبی معلوم می‌شود.

۳ - ۲

موفقیت این سیاست هخامنشیان از وسعت نواحی که در آنجا اسناد
 به زبان آرامی پیدا شده است معلوم میشود. از مصر اسنادی به دست آمده
 است که آنها را یک شاهزاده هخامنشی به نام ارشام در قرن پنجم ق.م از شوش
 بدانجا فرستاده است. آثار دیگر آرامی که مربوط به بعد از دوران هخامنشی
 است، در غرب، در ارمنستان و گرجستان و در شرق در تاکیسیلا نزدیک راولپندی

در پاکستان (غربی) و در لمپا که Lampâka = لمغان) در ساحل رودخانه کابل در افغانستان به دست آمده است. در مورد بحث درباره این آثار که از حد این بررسی خارج است و درباره کتابشناسی آنها رک به «ایرانی میانه»، صفحات ۲۴-۲۲ و ۴۰-۳۷ و به مراجع مذکور در آنجامی توان مقاله بنویست. دو یون- سومر ۲۰۹ و مقاله شاگرد را ۲۱۰ افزود.

۳-۳

در حالی که این آثار به آرامی نوشته می‌شد، دلیلی در دست است که در حدود ۱۵۰ میلادی یک تغییر اساسی انجام گرفته بود یا در حال انجام گرفتن بود. نوشته روی سکه‌ای که در بلاذ کر شد (۲-۲-۱) به نظر می‌رسد که قدیمترین نمونه انتقال از «آرامی نویسی» به «هزوارش نویسی» را در زبانهای ایرانی (و در این مورد در فارسی میانه) عرضه می‌دارد. اصل یا قراردادی که بر اساس آن کلمه فارسی میانه pus «پسر» به صورت آرامی BRH نوشته می‌شد که تحت اللفظی به معنی «پسرش» می‌باشد به جای BR آرامی، از این زمان به بعد مورد قبول قرار گرفته است. در طول قرون بعد از آن این اصول دستخوش تغییرات و دستکاریهایی شد و در مورد پهلوی کتابی زردشتی (رک ۲-۲-۵) حاصل آن را به صورت فهرستهایی سنتی از هزوارشهای (آرامی) با معادل‌های ایرانی آنها می‌بینیم که برای استفاده نویسندگان و خوانندگان تعلیم دیده هر دو بوده است مانند فرهنگ پهلویک (مثلا رک به کتاب «زبان و ادبیات فارسی میانه زردشتیان»، تألیف تاوادیا) ۲۱۱.

تغییرات در اصول کسه بیشتر به سبب نیاز به روشنی و وضوح انجام گرفته است، منجر به اضافه کردن اجزاء صرفی یا مشخص کننده‌ها به هزوارشهای آرامی شده است. یک نمونه قدیمی در مورد فعل در اسناد اورامان دیده می‌شود که در آن ZBNt نشان می‌دهد که به فعل آرامی ZBN «خریدن» جزء t- که نشان دهنده اسم مفعول پارتی xrid (خریده) از ماده مضارع

xrīn - (خریدن) است (رك ۲-۳-۲)، افزوده شده است. این اصل افزودن مکمل‌ها نه تنها در مورد پارسی بلکه در مورد زبانهای دیگر ایرانی نیز به کار رفته است، چنانکه در صورت‌های ضمائر اشاره آن‌طور که در فارسی میانه، پارسی و سغدی (رك به ایرانی میانه صفحات ۳۳ - ۳۲) استعمال می‌شوند، دیده می‌شود. در جدول ضمیمه صورت‌هایی که در میان دو هلال نقل می‌شود املاءهایی است که در خط بدون هزوارش (یعنی فارسی میانه، پارسی و سغدی مانوی) به کار رفته است. رك به صفحه بعد.

هم‌آهنگی کلی که در به کار گرفتن اصول اضافه کردن اجزاء تکمیلی به هزوارشها در مورد ضمائر و افعال و اسماء در امکانه مختلف جغرافیایی مانند فارس و پارت و سغد دیده می‌شود شاید بهتر از همه چنین قابل توجیه باشد که ارتباطات و مبادلات فرهنگی و فکری نزدیکی میان این نواحی برقرار بوده است.

از سوی دیگر باید به یاد داشت که در اشکال هزوارشها در طول تاریخ تغییرات قابل ملاحظه‌ای نیز راه یافته است. فعل مستعمل سغدی **HZYH** «می‌بیند» (درنامه‌های قدیمی متعلق به قرن چهارم میلادی رك ۱ - ۴ - ۲) مشتق از آرامی **HZH** «دیدن» یا فعل پارسی **TYt** «آمده (است)» (مستعمل در کتیبه‌های ساسانی) مشتق از **TY** «آمدن» با مقایسه با **HZYTWN [didan]** «دیدن» و **Y>TWN [āmadan]** «آمدن» مستعمل در کتابهای پهلوی زردشتی صورت‌های قدیمتری را نشان می‌دهند. به علاوه در مورد نوشتن عین و الف در هزوارشها تردید قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود چنانکه از این مثالها معلوم می‌شود:

>RQ = [arqā] «به جای آرامی ملك» به جای آرامی **>RK = [xwāstag]**

و **>KBY = [pay]** «با» (به جای **pāšnag** باشنه) به جای صورت آرامی

فارسی میانه	پارتی	سندی
LZNH im (◁ym) این (مفرد) LZNHš>n imēšān (◁ymyš>n) جمع	ZNH im (◁ym) ZNHn imfn (◁ymyn)	— —
◁LH ōy (▷wy) آن (مفرد) ◁LHšn awēšān (▷wyš>n) جمع	LHw hō (hw) LHwyn hawīn (hwyn)	ZK xau, xō (xw) مذکر ZKh xā (x>) مؤنث ZKW (a)wu (▷ww) مفعولی ZKy (a)wē (▷wy) اضافه ZKy (a)wē فاعلی ZKyšnw wēšānu (wyšnw) اخافه

﴿ciqbā﴾ یا فعل فارسی میانه YK<YMWN «ایستادن»، پارتی HQ>YM، به جای آرامی *yq>ym (از qwm). رك «ایرانی میانه»، صفحات ۳۶-۳۵.

و بالاخره روشن است که تنها يك معنی منحصر الزاماً با هزارشها، چه با اجزاء مکمل وجه بدون آنها، همراه نبوده است. مثلاً در بعضی از آثار کتیبه ای فارسی میانه t- پایان نشان دهنده سوم شخص مفرد مضارع اخباری است در حالی که اسم مفعولها پیوسته به صورت هزارش «لخت» آمده است؛ در موارد دیگر همین علامت t- برای نشان دادن اسم مفعول به کار می رود ولی گاهی هم صورت لخت هزارش به کار می رود: YK<YMWNt «کرد» در مقابل ZLWN [šud] «رفت» و YHBWNT [dād] که در يك قطعه روانی واحد به کار رفته اند.

لازم به تذکر نیست که این وضع سبب می شود که در توجیحات یقین حاصل نشود. مطالعه بیشتری در مورد سیستم هزارش نویسی در طول استعمال ممتدش مورد نیاز فوری است.

۴ - الفباها

اصل مشترك سیستمهای خطی ایرانی میانه در خط آرامی قرار دارد. طبیعتاً برخی مشکلات از به کار گرفتن يك سیستم خطی خارجی (سامی) برای ضبط زبانهای غیر سامی ناشی شده است. کوششهای اندکی شده - و گاهی اصلاً نشده است - که از همه علائم (خطی) خارجی که بالقوه موجود